

ابوالفضل پاشا

ابوالفضل پاشا هشتم اردیبهشت ۱۳۴۵ در آذرشهر (واقع در ۵۴ کیلومتری تبریز) دیده به جهان گشود. وی سرودن شعر را از سال ۱۳۵۹ یعنی حدود ۱۴ سالگی آغاز کرد. در نیمه اول دهه ۶۰ به جلسه‌های شعر در بافت و اصول و فنون بیشتر آشنا شد. همه اینها وی را همان دوره به دنبال راهپایان تازه در شعر بود. از زبان شعر وی دوره خود را برای بیان روح و اندیشه‌هایش کلی و سراسر نماند. است. او ۶۰ شعرهایش در مطبوعات چاپ شد و از اوایل دهه هفتاد مقاله‌نویسی را آغاز کرد و مقالات متعددی در حوزه‌های نظری یا نقد در مطبوعات به چاپ رسید. پاشا در دوره‌های گوناگون مسئول و سرپرست فرهنگی پاشا با خانه‌های فرهنگ بود. علاوه بر بخش‌های ادبی نشریات گوناگونی همکاری داشت و هم‌اکنون سردبیر فصلنامه الکترونیکی هفتاد است. همچنین تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی بوده و در تولید برنامه‌های ادبی رادیویی با رادیو فرهنگ، جیران، ایران‌ساز، گفت‌وگو و... همکاری کرده‌است. شعرهای پاشا تاکنون به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیولی، عربی و ترکی استانبولی ترجمه شده‌است.

کتاب اول وی مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.

پاشا علاوه بر این مجموعه شعر «از آن همه دیروز» در نشر دارینوش در سال ۷۲ بود. «راهای در راه» دفتر شعر بعدی وی بود. انتشار کتاب «حسرت و حرمت» در سال ۱۳۷۹ شد. بعد از آن بود که جامه ادبی به شکل جلی‌جلی در شعر حرکت نگاه کرد و در نتیجه در همای‌ن‌نویسی‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیاتی تا از دهه هشتاد تا به بعد نگاشته شده. علاوه بر این پاشا را از شاعران شعر موسوم به شعر دهه هفتاد به‌شماره‌اند. او را نظریه‌پرداز شعر حرکت نیز معرفی کرده‌اند.



دبیر صفحه شعر: محمد شیرازی Haghnavard@gmail.com

مخاطبان گرامی، شما می‌توانید اشعار خود را به شماره واتس‌آپ زیر ارسال کنید تا پس از بررسی، در صفحه شعر روزهای پنجشنبه کار شود. ۰۹۳۶۲۲۳۳۸۵۱

حامی شریبی

اگر گندم خوردنی نیست پس برای کدام برنده مرسک می‌خواستی؟ اگر سنگ دشمنی نیست پس برای کدام آینه شکنستن می‌خواستی؟ در امتداد این همه نفس‌های سوخته اگر دل‌پاره واژه می‌سوختن نیست پس برای کشتن کدام زمستان آتش می‌خواستی؟

بهاره رضایی

سلام آقای مرگ! دست به موقع آمدید من و تنهایی این روزها در یک شنباق غذا می‌خوریم و این که من می‌زیرا می‌چشم بعد از آن طرف‌ها را می‌شود اگر می‌خواهید اسب یا ما شام بخورید حرفی نیست من یک شنباق اضافه می‌کنم شستن طرف‌ها را نمی‌دانم!

محسن حسین خانی

مژگان خیس چشم‌هایم طعم شور عشق می‌دهد گریه کجا بود! پادشاه رفته سفر سه روزه تا را؟ دل‌نگانی از جاده‌ها را چقدر بارانی کرد بعد گفتی: مرده که گریه نمی‌کند! گفتی: گریه نیست عزیزکم فقط چشم‌هایم به دور شدنت کمی لرزی دارند!

فریده برازجان

و تقدیر من پنجره‌ای با بال‌های بسته بود که هذیان‌های ماه پریش را با حنجره‌ی کوچقه قرقره کرد و هر چه بی‌باغ نه شعر می‌شود بر تن حوض فیروزه نه رقص بر روی گوی‌های دریاچه مدام این بن بست را بالا و پایین برو درها را بشمار روی تمام رنگ‌ها خط‌کشی اما منظر سری نیاست که دستمالش درد نکند

ضیاء موحد

هر شب کنایه‌ها من باز است و شاعران و منطق‌دانان با یکدیگر در آنجا بحث می‌کنند وقتی که کار بالا می‌گیرد با خشم دست‌پکی از آنان را می‌گیرم و از کتابخانه به بیرون برتاب می‌کنم گاه تا سپیده‌دمان باهم در کوچه‌های شهر قدم می‌زنیم گل می‌گویم و گل می‌شنویم.

مهسا زهیری

از شب حرف می‌زنم تو را در خون حافظه ام رد می‌شود چشم‌ها هزار چشم پیاده رو سایه سایه، مرا جا می‌گذارد می‌رود سهمیه اش را بگیرد حرفی برای گفتن نمانده زمین هم‌چنان در بهت خاکستری‌ات می‌چرزد و من اشک‌هایم را جیره‌بندی کرده‌ام برای قرن‌های بدون تو آزادی شمع کوچکی بود هر پروانه‌ای که به آن نزدیک شد قبل از بوسه‌ی اول سوخت.

هرمز علیپور

در بین دو چهره از خورشید در این نام یک تن بیشتر نیست با حدی که شکسته ایم بر چندمین زخم خود دست می‌نیمیم با تو فرق ندارد که همین‌چنین جوانی نیست و این که آغاز شکنجی نیست با دست‌های خود به خانه ایم و نگاه مان در بین دو چهره از خورشید انگار که این زمین سبک شده و هر چیز پایان خود را به ندان می‌گیرد.

کوچه

دارم دوباره کاخ می‌شوم، نترسید!

جانم نمی‌کشم روی آنتن که مه‌روم برگ‌بریده‌های شما خش می‌افتد مه‌روم روی درخت دریا که

مه‌گازم که چشم‌های گرسنه بر نیعمت سیر نگاهم کنند کاری به کار که ندارم

روی این برف جلی پای خودم را می‌کازم این روزنامه‌ای که من خیر نگارش هستم تا به دست شما برسد آب می‌شود جارچرا برنیم؟!

مهرداد فلاح

مجید فروتن

در زمانی چنین بودم دستاره ای به دستم از من رویا خیس حال که می‌خواهم زندگانی را سایه ای باشم غم مردگانم نیست پادشاه رفته سفر سه روزه تا را؟ وقتی نگاه از آسمان ملال می‌گیرد مرده که گریه نمی‌کند! گفتی: گریه نیست عزیزکم فقط چشم‌هایم به دور شدنت کمی لرزی دارند!

ترگس برهمند

از آن همه اندوهی که در جمدات گذاشته‌ای می‌ترسم کاش دردی بیاید و آن را بر برد بعد هم صعبانی شود در دو دستان، ای دروازه‌ای، جای می‌دهی و رهاش کن.

ایرج صف‌شکن

می‌خواهیم و چون گوی‌های دریا رها شده از یاد می‌دانیم و نمی‌دانیم حجره‌ای غریب که به خواندن کتابی دروغ می‌شود و جا می‌ماند تنها نگاه رهگذر و نقطه‌ای سیاه پس چه می‌ماند گلی چیده شده از نگاه او در نگاه‌های دیگر

حسین فرخی

در آفتاب ایستاده بودی و الفبا را در آتش شعر شعله‌ور می‌کردی کاش دست مرا می‌گرفتی از همان گوشه‌ی دنیا می‌گذردی

هوشنگ چالنگی

اکنون آرامش مرگ است و آتش‌هایی که به من می‌نگرند آه که دیگر به پاسخ آن همه گذشته، باز یافته‌هایم را می‌بینم هر گاه می‌پنهان را که با چشمانش فروخت تا کم بگذرد یک دور به گرد جهان اکنون خفته‌ام بر زانویم سهل‌انگار بر پیشانیم

فاطمه صدیقی

در گلویم مدت‌هاست برگ‌های پاییزی خش‌خش می‌کنند در نگاهم ابرهاش... در دستم... سرمایش... و در دلم بهاری تکیه زده حالم را بهم می‌زند مسومیت بدی دارم فصل پنجمت را رو کن

بتول عزیزپور

اکنون نفس من از صدای تو بلندتر است و انگشتم در تصرف خاک روزه می‌کشد از آشفتنگی می‌آیم با درآوردن پای زین بریده؟ دو رنگوله به پلک‌هایم می‌آویزم تا شب در مردک‌های من خواب لیلی بیند و خون در شکاف استخوان‌هایم رها از ریختن گردد همیشه باران گیسوان مرا خیس نمی‌کند و دستی که چشم‌های مرا می‌بندد همیشه بر پست است.

محمد علی حسنلو

خانه‌ها رنگ پاییزی شهر را به یادم می‌آورند و خورشید که هر صبح در پیشانی ام نفس می‌کشید نگاه خاوشن را در جیب‌هایم گم می‌کند دیگر نه به روزها ایمان دارم نه به برهنه‌ای که که در جوی خودکارم برسه می‌زند. آسمان تو را با یک چشم‌هایم نشان می‌دهد

رسول یونان

دیگر با صدای بلند نمی‌کنم با صدای بلند حرف نمی‌زنم دیگر گوش‌هایم در جیب‌هایم به صدای باد دریا برنده باورچین باورچین می‌آیم و می‌روم بی‌سر و صدا زندگی می‌کنم تو در من به خواب رفته‌ای

نسترن ونوقی

حالا که خیال آمدن نداری دیگر مرگ تنها کسی است که می‌توانم به انتظارش بنشینم. هوا دو نقره است من ماه می‌رویم، قدم بزنیم من و خیال تو. تو می‌توانی نیایی ولی من نمی‌توانم، منتظرت نیاشم

صابر سعیدی پور

در آب‌های آزاد در نور صیاد به نام خودش فکر می‌کرد ماهی آزاد. بیخوده دست می‌کشی آی ابر اینجا هیچ سنگ قبری را بریل نونشته‌اند

نجیب آگاه

خورشید چه زیباییست بر پلکان نام‌های که من می‌بینم هر روز قصیده‌ی گسترده بر فراختای شب هر شب چشم‌هایم را به من بسپار که جهان را به تماشا بنشینم آی خوشبختی!

محمدحسین مدلل

خانه مان دایره‌ای است. از دایره به راه که می‌آیم خرج دایره‌ای را می‌لعبیم و حرف‌هایمان در خواب دایره‌ای خراب می‌رسد آن قدر که از خودمان و حرف‌هایمان خسته شویم. سکوت می‌کنیم تا به دایره‌ای در سستی که بوده ایم بقیتم قدم در راه دایره‌ای بگذاریم که در آن نبوده‌ایم و بیچشم به طول و بیپایان شود رو به روی می.

ناهید کبیری

روزی که عشق را قسمت می‌کردند پرواز به تو دادند قفس را به من از پشت میله آسمان پیدا نیست تا جایی پای ات را تماشا کنم...